

قسمت دوم
و پایانی



زهره هادیانی
عضو هیات علمی گروه جغرافیای
دانشگاه سیستان و بلوچستان

شهر و پیرامون

(حوزه نفوذ روستایی)

سرمایه گذاری ناچیز تولیدی و روندهای ایستا در زمینه توسعه عمومی اجتماعی-اقتصادی همراه است.

این تعریف که بر مشاهدات عینی استوار است، می تواند هم در برخورد با قضیه تعیین

حدود زمانی و نیز

محتوایی این نظریه در

ارتباط با صورتبندی های

اجتماعی-اقتصادی ماقبل

اسلامی، و هم در تعیین

دامنه مکانی و محتوایی آن

در برابر ویژگی های

فئودالیسم غربی به کار

آید. این تعریف پیشنهادی

با توجه به این که نظریه

مورد بحث در این جا

عمدتاً به شهرهای ماقبل

صنعتی سده های نوزدهم

و بیستم مربوط می شود، تا زمانی که از طریق

دلایل و مدارک بیش تر در مورد دوره های

پیش از اسلام مرود شناخته نشده است،

معتبر خواهد ماند.

سرمایه داری تولیدی ۲ به عبارت دیگر و به نظر اهلرز (اهلرس): «سرمایه داری بهره بری به عنوان صورتبندی اجتماعی-اقتصادی خودجوش ماقبل یا آغاز دوران

صنعتی در کشورهای شرق اسلامی، با

* بخش اول این مقاله، در شماره ۶۴

مجله رشد آموزش جغرافیا به چاپ رسیده

است*

۴. نظریه «سرمایه داری بهره بری»

هانس بویک از سال

۱۹۳۸ تا اواخر دهه

۱۹۷۰ میلادی، بیش تر

به بیان و ژرفایش تئوری

سرمایه داری بهره برداری

پرداخت و به سال ۱۹۵۹

مشخصاً در مقاله

«مراحل اساسی

شکوفایی اجتماع و

اقتصاد از دید جغرافیا»

این نظریه را گسترش

داد. ۱ در این مقاله،

منظور بویک از اصطلاح سرمایه داری

بهره بری عبارت بود از: یک مرحله تکاملی

مستقل میان مرحله جامعه زراعی

سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و مرحله

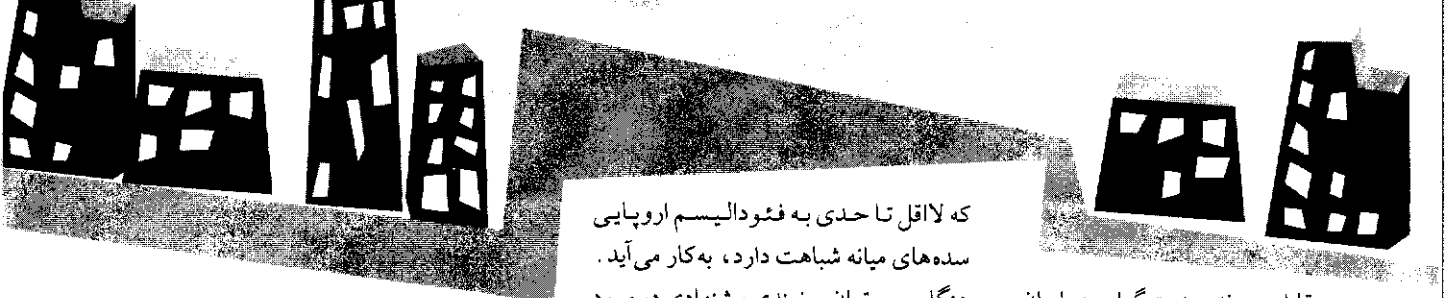


ویژگی های خاص خود، از جمله پیوند

تنگاتنگ حاکمیت و شهر، تجاری شدن

عایدات حاصل از بهره مالکانه روستایی و

شهری توسط زمینداران بزرگ یا



که لااقل تا حدی به فئودالیسم اروپایی سده‌های میانه شباهت دارد، به کار می‌آید.

هنگامی می‌توان مرزبندی پیشنهادی در مورد دامنه مکانی و زمانی این اصطلاح را پذیرفت که نتایج بررسی‌های تازه‌تر، اعتبار مفهومی را که بویک مطرح کرده است، به حوزه‌های فراتر از شرق اسلامی بکشاند. به هر حال، نظریه بویک در مورد سرمایه‌داری بهره‌بری به بررسی‌های جغرافیایی اجتماعی-اقتصادی کشورهای در حال توسعه، ابعاد تازه‌ای بخشیده که تاکنون به صورت جامع مورد استفاده قرار نگرفته است.^۲

تاکنون بر اساس نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری، مقالات انتقادی و مطالعات موردی فراوانی به ویژه در ایران نوشته شده‌اند.^۳ رئوس ویژگی‌های اساسی این نظریه را می‌توان به این قرار بیان کرد:^۴

۱. سرمایه‌داری بهره‌بری نوعی نظام اقتصادی-اجتماعی است که خصوصاً در شرق، و نیز در ایران گسترش دارد.

۲. رانت، درآمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید و در برابر مفاهیمی چون مزد و سود به کار می‌رود که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است.^۵

۳. مالک، زمین زراعی و ساختمان دهقانی و کارگاه‌های دست‌ورزی، در شهر زندگی می‌کند.

۴. مالک، سرنوشت قسمت عمده عوامل تولید: زمین، آب، بذر و ابزار را در دست دارد.

۵. مالک، ملک خود را به مزارعه (اجاره) واگذار می‌کند تا از آن سود (بهره مالکانه) بگیرد؛ بدون این که خودش به طور مولد به کار پردازد. یعنی عواید حاصل از بهره مالکانه را تجاری می‌کند.

در مقابل، روند صنعت‌گرایی در ایران، نوعی توسعه را مطرح می‌سازد که نه تنها ساز و کار رشد متکی بر سرمایه‌داری بهره‌بری را بی اعتبار می‌سازد، بلکه طرح دوگانگی آشکار گسترش نوین شهری در کشور را مطرح می‌سازد. پیش از همه تهران، اما به تازگی برخی شهرهای بزرگ دیگر نیز در حال تبدیل شدن به مراکز بزرگ صنعتی هستند. برجستگی موقعیتی این شهرها، در درجه اول به اهمیت بازاری آن‌ها بازمی‌گردد؛ هر چند گسترش بعدی آن‌ها با توجه به محاسبات اقتصادی، با برنامه‌ریزی عاقلانه مکانیابی، منافات دارد. در مقابل، تمامی شهرهای کوچک و متوسط ایران، هنوز هم به واسطه اشکال ماقبل یا آغاز دوران صنعتی تولید کالایی و بازاریابی مشخص می‌شوند. این دوگانگی که در مورد بسیاری از کشورهای شرق اسلامی و اصولاً جهان سوم صادق است، مرحله تازه‌ای از توسعه شهری در ایران را مطرح می‌سازد که در سطح جهان ویژگی‌های قابل مشاهده‌ای دارد و به نظریه بویک در مورد مکان‌های مرکزی، نزدیک است.

با توجه به تعریف ذکر شده از سرمایه‌داری بهره‌بری، اعتبار و کاربرد آن از نظر مکانی و زمانی و در مقابل گسترش جوامع شهری متکی بر سرمایه‌داری بهره‌بری از نوع شرقی، مدیترانه‌ای، ازو پای شرقی، هندی و نیز آسیای شرقی (بویک، ۱۹۵۹، نقشه ۱)، تا حد زیادی محدود می‌شود. اما از سوی دیگر، شاهد آیم که این اصطلاح تا چه حد در تبیین ویژگی‌های خاص نوعی از نظام اجتماعی-اقتصادی در شرق اسلامی

۶. مالک، علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری سود خود در کشاورزی و روستا ندارد، بلکه آن را در جای دیگری (شهر) به مصرف می‌رساند. به عبارت دیگر، مالکان آمادگی کمی برای سرمایه‌گذاری تولیدی دارند.

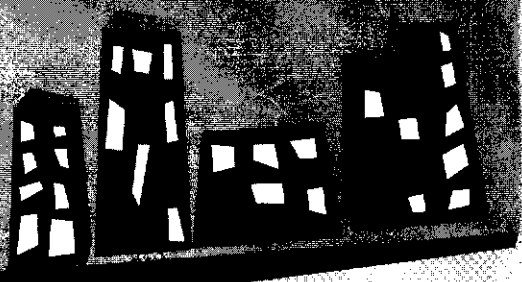
۷. زمین‌های زراعی معمولاً به رعایا و زارعان بسیاری (برخی اوقات از طریق واسطه‌های اجاره) واگذار می‌شوند؛ به طوری که از این طریق قطعات بسیار کوچکی پدید می‌آیند.

۸. اجاره‌نامه‌های بین مالکان و رعایا اغلب فقط شفاهی است و برای مدت یک سال بسته می‌شود.

۹. پرداخت رسومات (بهره مالکانه) بسیار بالا (بین ۳۰ و ۵۰ درصد محصول) است؛ به طوری که رعایا را در مرز حداقل معیشت نگه می‌دارد، مقروض می‌کند و در یک دور وابستگی به مالک و کسبه شهری قرار می‌دهد. نتیجه آن در اغلب موارد، پیش فروش محصولات زراعی روستاییان، عدم توسعه اقتصادی روستا و روستاییان و بی‌رغبتی رعایا به برداشت محصول بیش‌تر و عدم مراقبت از زمین زراعی و منابع آب است. در مقابل، شهرها به خاطر سرازیر شدن بهره مالکانه و درآمدهای ناچیز روستاییان به آن‌ها، توسعه می‌یابند. از همین رو، بین حاکمیت (سلطه) و شهر پیوند برقرار می‌شود و روستاها توسط شهرنشینان (مالکان و کسبه) قبضه می‌گردند.

۱۰. در شهرها نیز در زمینه دست‌ورزی، بازرگانی (دادوستد) و خدمات نیز کاربرد سیاست نظام سرمایه‌داری





۳. ساختار اجتماعی و زیرساخت‌های عرصه روستایی^{۱۵}

بر پایه پژوهش‌های اهلرژ، روابط سنتی مالکیت تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی در بیش از ۱۷۰ روستای پیرامون دزفول رواج داشته است. از مجموع بیش از ۱۵۰ هزار هکتار زمین زراعی متعلق به ۱۷۰ آبادی، حدود ۱۱۰ هزار هکتار (یعنی ۷۲ درصد) از آن‌ها به مالکانی تعلق داشت که ساکن دزفول بودند. به این ترتیب، شهر، یا به سخن دیگر، قشر زمیندارانی که در شهر زندگی می‌کردند، بخش اعظم اراضی حاصلخیز روستایی را در تصرف خود داشتند و از این طریق، از امتیاز و جایگاه اقتصادی ویژه‌ای برخوردار بودند. به سادگی می‌توان مقدار محصول کشاورزی یا بهره‌مالکانه را که به شهر دزفول اختصاص می‌یافت، برآورد کرد.

افزون بر این، بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، ۲۰ تا ۳۰ درصد از کل محصولات زراعی ناحیه روستایی دزفول نیز پیش از برداشت به شهر تعلق می‌یابد و در نتیجه این مقدار از محصول هیچ‌گونه نقشی در اقتصاد روستایی بر عهده نمی‌گیرد. بدین ترتیب، به واسطه ساز و کار خاص اخذ بهره‌مالکانه از محصول تولیدی، انباشت و تراکم ثروت در مراکز شهری پدیدار شده است.^{۱۶}

اهلرژ در رابطه با فعالیت‌های زیرساخت‌های عرصه روستایی، خدمات خرده‌فروشی در حوزه نفوذ پیرامون شهر دزفول را بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که از مجموع ۱۴۵ آبادی، تنها ۶۶ آبادی در مجموع ۸۸ دکان خرده‌فروشی و

سرمایه‌داری بهره‌بری و نیز بر ایجاد تغییرات مثبت در این نظام و تبدیل آن به نظامی دیگر تأکید دارند. طبیعی است که مناسبات شهر و روستا در چارچوب شهر و روستا و پیامدهای آن در زمینه‌های اقتصاد جدید، حاکی از استمرار برخی از مناسبات گذشته درون نظام شبه‌سرمایه‌داری موجود ایران است.

دو نمونه از کاربرد نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری درباره رابطه شهر و روستا در ایران را در مقاله اکارت اهلرژ درباره دزفول و حوزه نفوذ آن (دزفول و حوزه پیرامون آن) و راجع به شهر شرق اسلامی او می‌آوریم تا اهمیت این نظریه در وضعیت معاصر ایران نیز روشن شود:

اهلرژ در چارچوب نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بویک و کاربرد آن نظریه، خاصه در شهرهای سنتی کوچک و متوسط که هنوز صنعت و عناصر جدید غربی (همان‌گونه که خود تأکید می‌کند) در آن‌ها پای نگرفته، به مطالعه شهر دزفول و ۱۷۰ دهکده و حوزه نفوذ آن بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۶، یعنی قبل از اصلاحات ارضی پرداخته است.^{۱۷} به نظر او، سه جنبه یا مقوله زیر برای درک درست خصیلت‌های مناسبات سنتی شهر و حوزه نفوذ آن تعیین‌کننده و اساسی به شمار می‌آیند:

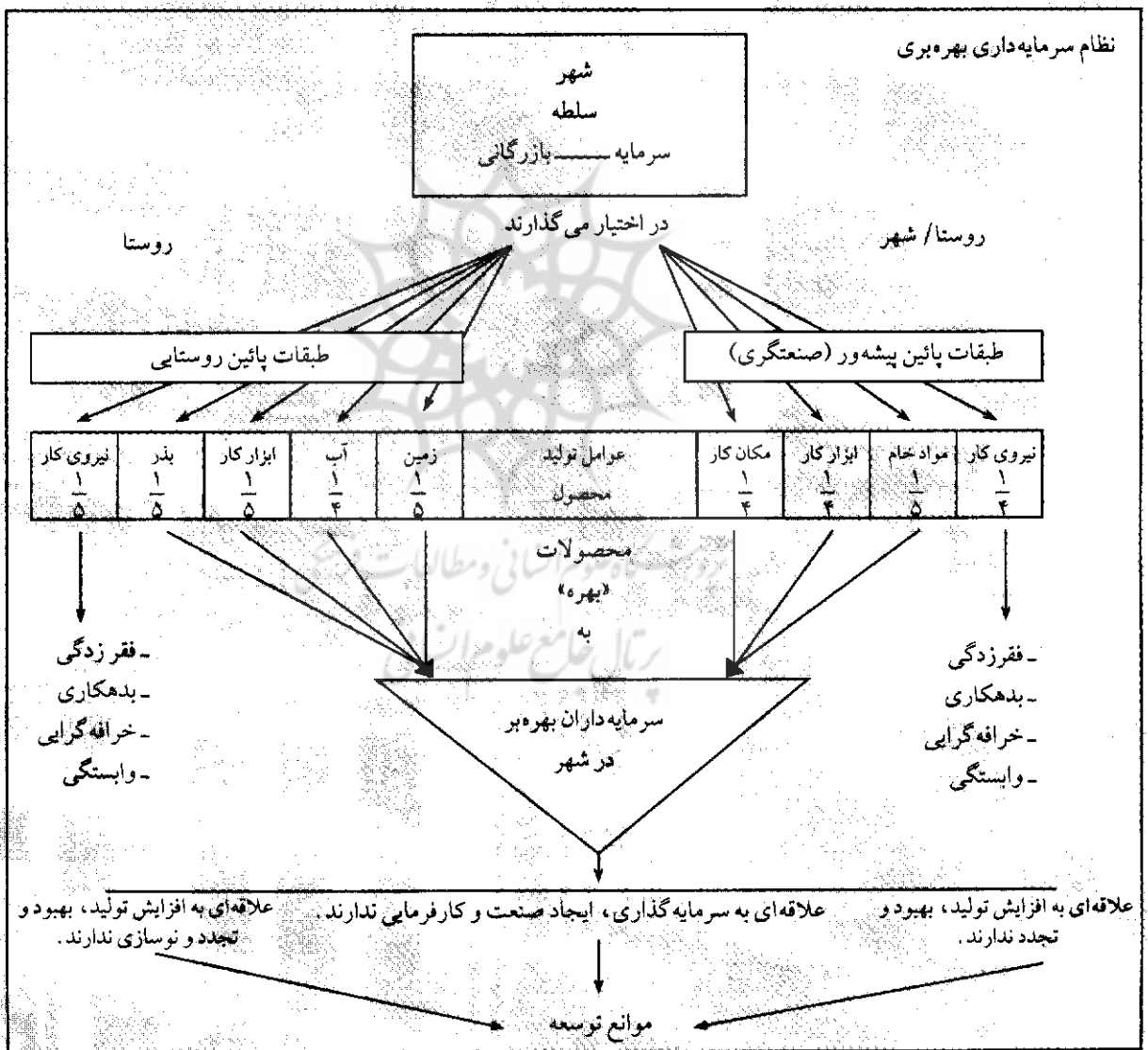
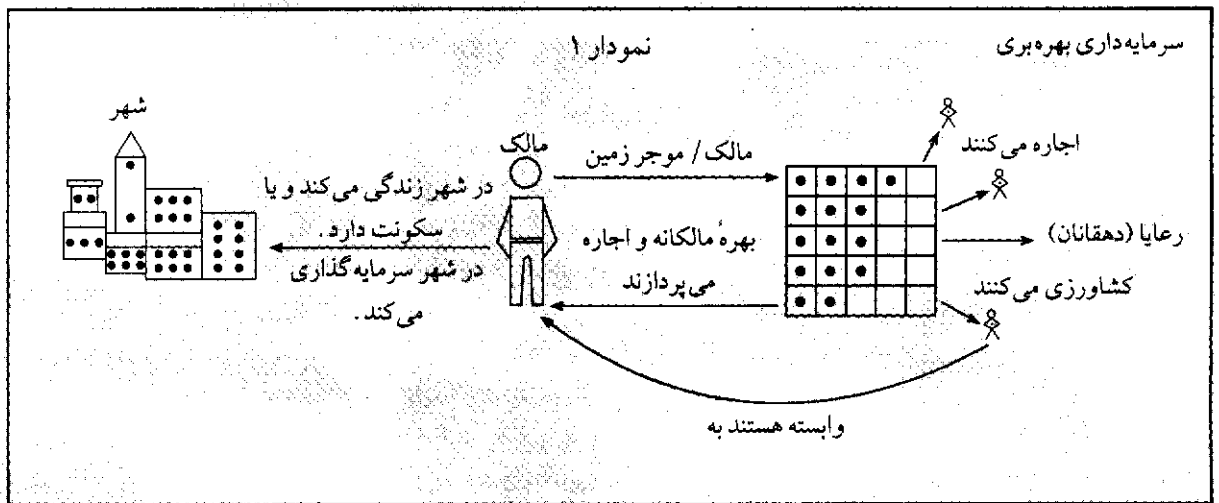
۱. روابط سنتی مالکیت در نواحی روستایی
۲. نظام پیش‌فروش محصولات زراعی

بهره‌بری عملی می‌شود (نمودار ۱).

۱۱. سرانجام، بنا بر خصوصیات اقتصادی-اجتماعی نفوذالیم به اصطلاح لویع شرقی (به قول بویک، سرمایه‌داری بهره‌بری)، شهر، نقشی بیش از کارکرد روستایی بر عهده ندارد و اساساً بر صنایع حوزه پیرامونی خود و به خاطر آن موجودیت می‌یابد. بر این اساس، تمامی توان لازم برای رشد اقتصادی و همچنین خصیلت پدیدری سیاسی و اجتماعی را از همین حوزه پیرامون خود کسب می‌کند.

بدین سان، شهرها بدون وجود این حوزه پیرامون، اهمیت اقتصادی و جمعیتی چندانی نخواهند داشت.^{۱۸} در برابر چنین مشخصات منفی رابطه روستا با شهر در چارچوب نظام سرمایه‌داری بهره‌بری، شاهد نظر اویگن ویرت در زمینه اثرات مثبت شهر و روستا نیز هستیم: «ویرت با طرح نظر خود (۱۹۷۲) به مخالفت با نظریه بویک برخاست. بر این اساس که این گونه شهرها را نباید صرفاً به عنوان یک هشت‌پای زانوخصیلت انگلی در حوزه پیرامون خود دید، بلکه ضمناً باید به آن‌ها به عنوان نوعی مکان مرکزی نگاه کرد که به عنوان مرکز نوآوری و سازماندهی اقتصادی، مسلماً کارکردهای مثبتی دارد.^{۱۹}»

بررسی اکارت اهلرژ درباره دزفول، طیس^{۲۰}، بم و شهر شرق اسلامی^{۲۱} و بررسی مصطفی مؤمنی درباره ملایر^{۲۲} و پژوهش رضوانی درباره بروجرد و حوزه نفوذ آن^{۲۳} و چند مطالعه دیگر، بر وجود و ادامه رابطه شهر و روستا در چارچوب نظریه





حدود یک سوم آن‌ها دبستان داشته‌اند. در حالی که تنها بازار قدیمی دزفول به تنهایی چهار تا پنج برابر مجموع واحدهای تجاری و کارگاه‌های روستایی، مغازه‌های مختلف با انواع متفاوت کالا داشت. اگر کارگاه‌ها و واحدهای خرده‌فروشی خیابان‌ها و راسته‌های جدید شهر دزفول را به این تعداد بیفزاییم، آن‌گاه می‌توانیم بگوییم که این شهر در مقایسه با روستاها ۱۰ تا ۲۰ برابر نیاز و جمعیت خود واحدهای تجاری دارد.^{۱۷} اهلرز در پایان نتیجه می‌گیرد: روشن است که هم فروش محصولات و تولیدات روستایی در شهر و هم فراهم ساختن کالاها و خدمات مورد نیاز روستاییان به وسیله شهریان، به نفع مراکز شهری و به ضرر ساکنان روستایی است.^{۱۸}

اهلرز در بخشی از مقاله «شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت» به سرمایه‌داری بهره‌بری در رابطه با شهر و روستا اشاره می‌کند. او در این مقاله در چارچوب نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری و تحقیقات جدید، توانسته است به یک جمع‌بندی نهایی برسد و به گسترش این نظریه بپردازد. «سازوکار مناسبات وابستگی بین شهر و مناطق روستایی موجب پیدایش ساختارهای فضایی کاملاً مشخص شده است که ماهیت شهرنشینی شرق اسلامی را از سرشت شهرنشینی کشورهای صنعتی غرب متمایز می‌کند.

بررسی‌های میدانی مؤید آن است که شهرهای بزرگ به‌طور روزافزونی درصد هستند که بازرگانی ملی را به‌طور تمام و کمال به‌خود اختصاص دهند و خود به‌منزله مرکز توزیع منطقه‌ای بزرگ و مؤثر عمل کنند و

بدین وسیله سیطره بی‌چون و چرای خود را استوار سازند.^{۱۹} اهلرز شیوه اثرگذاری و پیامدهای فضایی روابط شهر و روستا را بیان می‌کند و تبادل کالاها و تولیدات بین شهرها و سلسله مراتب مکان مرکزی حاصل از این روابط را در شهرهای شرقی که شهرهای ایران هم جزو آن‌هاست، «سیستم مکان مرکزی سلطه» می‌نامد و آن را با «نظام مکان مرکزی کشورهای صنعتی» مقایسه می‌کند و وجوه تمایز این دو ساختار را روشن می‌سازد. او معتقد است، مادام که برای شکل روابط شهر و پیرامون، تفسیر دیگری وجود ندارد، باید اذعان کرد که «تکامل نظام مکان مرکزی سلطه با خصیصه مناسبات وابستگی سرمایه‌داری بهره‌بری بین شهر و منطقه روستایی، یکی دیگر از وجوه بارز و تعویض‌ناپذیر شهرنشینی در قلمرو شرق اسلامی است.»^{۲۰}

۵. کاربرد تئوری سیستم‌ها در بیان رابطه شهر و روستا

بین شهر و آبادی‌های منطقه روستایی پیرامون آن و میان این آبادی‌ها با یکدیگر، کنش یا روابط و پیوندهای متقابل برقرار است که به صورت یک سیستم، «به عنوان یک مجموعه کلی از عناصر متقابلاً وابسته‌ای که از ساختار و سازمان برخوردار است»^{۲۱}، تجلی می‌کند. مطالعه بنیادی، یعنی تحلیل جامع و متناسب تکوینی، ساختاری و کارکردی سیستم و اجزا و همکنشی‌های پویای میان

اجزای (واحدهای) نظام رابطه شهر و روستا، به منظور دستیابی به ماهیت آن، ضروری است. اما با شناخت قانونمندی‌های درونی خاص موجود در نظام رابطه شهر و روستا، می‌توان نتایج حاصل از آن را در پیش‌بینی و سازماندهی منطقی طراحی و برنامه‌ریزی یکپارچه شهر و روستا، در قالب طرح جامع یا آمایش سرزمین محلی، ناحیه‌ای و ملی، به کار بست. اصولاً بدون مطالعه بنیادی رابطه شهر و روستا، و بدون شناخت عناصر و حلقه‌های زنجیره روابط کارکردی شهر و روستا، برنامه‌ریزی درست برای بهره‌وری مردم امکان‌پذیر نیست.

از این رو، بهترین شیوه برخورد علمی راهگشا با قضیه رابطه شهر و روستا این است که: «از هر دو دروازه کل و جزء، وارد عرصه بررسی و پژوهش» شویم^{۲۲}؛ بدون این که یکی از این جهت‌ها را مطلق کنیم. بدین معنی که از یک سو، از نگرش کل‌گرایانه* برای حرکت از کل به جزء و دیدن یکجا و یکپارچه واقعیت و روابط متقابل اجزای سیستم شهر و روستاهای پیرامون (منطقه نفوذ) استفاده کنیم و از سوی دیگر، برای دیدن بهتر اجزا در سیستم رابطه با شهر و روستا، از روش اصالت اجزا** بهره‌گیرییم.^{۲۳}

از این رو، بنابر خصلت موضوع مورد مطالعه، یعنی رابطه شهر و روستا، «نگرش سیستمی» را مبنای کار قرار می‌دهیم. در این رویکرد، منظور از «سیستم، گروهی از عناصر (اجزای مرکب) اعم از طبیعی یا اجتماعی یا فکری



است که به منظور انجام وظایف و رسیدن به هدفی خودآگاه یا ناخودآگاه تشکیل شده‌اند و از آن‌جا که سیستم‌ها تودرتو هستند، تشخیص مرزهای سیستم، از سویی که در ورای آن، سیستم معین ختم و محیط سیستم آغاز می‌شود و تشخیص عناصر سیستم که در متن سیستم معین و به عنوان جزء آن کیفیت واحد و تقسیم‌ناپذیر دارند، مهم است. روشن است، آنچه ما محیط می‌نامیم، خود، سیستم یا سیستم‌های دیگری است که نسبت به سیستم معین در حکم زیستگاه است. نیز روشن است، آنچه ما عنصر می‌نامیم، باز خود یک سیستم است که در متن سیستم در حکم عنصر و جزء تشکیل دهنده است.»^{۲۴}

با قبول کلیت سیستم به عنوان نقطه آغاز کار تئوریک و عملی در بررسی‌های رابطه شهر و پیرامون، باید مانند مطالعه هر سیستم، بار دیگر به نکات زیر پرداخت:

۱. شناسایی عناصر یا اجزای سازنده و به هم وابسته درونی مجموعه تشکیل دهنده سیستم و تفکیک و گروه‌بندی آن‌ها (شهر و آبادی‌های مربوط به آن)؛

۲. شناسایی شبکه گوناگون روابط یا پیوندهای تشکیل دهنده سیستم، اعم از رابطه مجموعه منطقه روستایی با شهر، یا روستاها با یکدیگر؛

۳. تعیین سلسله مراتب یا مرتبه‌بندی زیرمجموعه‌ها و روابط و پیوندهای سیستم و همچنین طبقه‌بندی پیوندهای آن‌ها با یکدیگر؛

۴. روشن ساختن و تعیین حدود مرز سیستم که آن را از دنیای خارج جدا می‌سازد و آنچه در بیرون سیستم قرار دارد، جدا

می‌سازد؛

۵. «تعیین متغیرهای نشان‌دهنده جریان‌ها، و وضع‌های گوناگون سیستم...»^{۲۵}
بدین ترتیب، مفاهیم ساختاری بررسی رابطه شهر و روستا در رویکرد سیستمی عبارتند از:

- شهر و روستاها به عنوان عناصر یا اجزای سازنده سیستم

- روابط اجزای سیستم: رابطه و پیوند

- حد و مرز سیستم

- سلسله مراتب درون مجموعه سیستم:

حوزه نفوذ، حوزه جذب، حوزه تأثیر تنها تحقیقی که تلاش کرده است تئوری سیستم‌ها را در بیان رابطه شهر و حوزه نفوذ به کار برد، پایان‌نامه جابر پارسایی در سال ۱۳۷۶، با عنوان «امکان‌سنجی تعیین حوزه نفوذ، جهت تجدید سازمان تقسیمات کشوری» درباره شهر رویان در مازندران است.^{۲۶} وی می‌نویسد: در این پژوهش «شهر رویان به همراه تمام روستاهایی که با آن ارتباطات متقابل فضایی دارند (حوزه نفوذ)، به عنوان یک «سیستم» عمل می‌کنند.

در این سیستم، شهر رویان عنصر اصلی و تمام آبادی‌های ناحیه (روستا، شهرک، مزرعه و...) عناصر دیگر سیستم هستند. بر مبنای این عناصر، روابطی برقرار می‌شود که شبکه‌ای از پیوندها را درون سیستم به وجود می‌آورد. این پیوندها هرچه به عنصر اصلی (شهر رویان) نزدیک‌تر می‌شویم، استوارتر و محکم‌تر می‌گردند.

از طرف دیگر، «محیط سیستم» زمینه‌ای است که شهر رویان به همراه حوزه نفوذش در آن قرار دارد. با مطالعه و بررسی عناصر

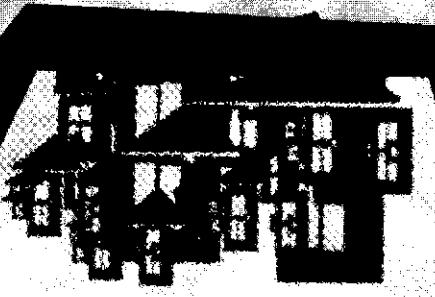
سیستم و شدت و جریان ارتباطات و پیوندهای این عناصر درون سیستم، می‌توان مرز آن را تشخیص داد و تعیین کرد.»^{۲۷}

جابر پارسایی در عمل، روش‌های دیگری را برای تعیین حوزه نفوذ به کار برده است. اماروی هم‌رفته، تئوری سیستم‌ها به او توان بیش‌تری برای تحلیل و نتیجه‌گیری‌ها داده است.

اما درباره گنجیدن تئوری وجه تولید آسیایی و سرمایه‌داری بهره‌بری در چارچوب تئوری سیستم‌ها و یا سیستمی بودن آن‌ها، لازم است موارد زیر را با توجه به نظرات آشنایان با این تئوری‌ها و از خلال مطالعات درباره این نظریه، یادآور شوم:

۱. تئوری‌های وجه تولید آسیایی و سرمایه‌داری بهره‌بری بر پایه مشاهدات و مطالعاتی تدوین شده‌اند که واضعان آن‌ها فقط قصد داشته‌اند، مناسبات مالکیت موجود بین شهر و منطقه نفوذ را در قالب فرم‌اسیون‌های اجتماعی-اقتصادی بیان کنند.

تئوری وجه تولید آسیایی، به‌طوری‌که آمد، یکی از دوره‌های یا فرم‌اسیون‌های تاریخی تئوری عام ماتریالیسم دیالکتیک در دوره‌بندی تاریخ بشری نزد کارل مارکس و برخی از پیروان اوست. درحالی‌که تئوری سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک یکی از مراحل اجتماعی-اقتصادی از دید جغرافیا در دوره‌بندی تاریخ بشری در چارچوب نظام اقتصادی آزاد است. واضعان هر دو تئوری، دایره جغرافیایی وسیعی را در نظر داشته‌اند که حیطه‌های آن‌ها تقریباً مشخص، اما



مرزهای آن‌ها ناروشن است. بدین ترتیب در چنارچوب تئوری سیستم‌ها که در جست‌وجوی مرزهای دقیق سیستم است، قرار نمی‌گیرند.

۲. تماکسیون در محدوده ایران و بین‌النهرین مطالعه‌ای که بتواند تئوری وجه تولید آسیایی را در محدوده محلی و منطقه‌ای به کار بندد، ملاحظه نشده است، زیرا به نظر دکتر خنجی، این تئوری در ایران «مشخصات اجتماعی و اقتصادی تا واسط قاجار را دربرمی‌گیرد و بنابراین دوره‌ای گذشته است که کسی زحمت مطالعه آن را به خود نداده است. دیگر این‌که تئوری «مارکسیسم-لنینیسم» از دوران استالین به بعد به گذار تاریخ به طور تک‌خطی نگریست و وجود فرماسیون وجه تولید آسیایی را نادیده انگاشت و آن دوره‌ای را که دکتر خنجی در چنارچوب وجه تولید آسیایی بیان می‌کند، مورخان روسی نظیر پتروفسکی در «تاریخ ایران» (ترجمه کریم کشاورز)، تحت عنوان فرماسیون فتودالسیسم بیان کردند و وجود فرماسیون وجه تولید آسیایی را درباره تاریخ ایران ندیدند.

هانس بوبک طول دوران سرمایه‌داری بهره‌بری را پیرامون مدیریتانه و ایران، حتی بیش از دو هزار سال می‌بیند و به وجود آن در ایران، حتی در دوران پهلوی نیز توجه می‌کند. از این رو، پیروان مکاتب بوبک مثل پروفیسور دکتر اکارت اهلرز و شاگردان او امکان پیدا کردند که وجود فرماسیون سرمایه‌داری بهره‌بری را در گوشه و کنار ایران ثابت کنند. حتی برخی از آن‌ها جریان آن را در ایران امروز نیز در قالب کارخانه‌داری و مدیریت صنایع در پارک‌ها و شرکت‌های

نتیجه‌گیری اقتصاد سیاسی از مناسبات و روابط شهر و مناطق روستایی، یا حوزه نفوذ پیرامون شهر، بحث دیگری است که بیرون از تئوری سیستم‌هاست. تئوری سیستم‌ها برای بیان یک واقعیت یا پدیده است و براساس فهم کنونی این جانب، چندان ربطی به نتیجه‌گیری‌های اقتصاد سیاسی ندارد: «نظریه عمومی سیستم‌ها که از ریاضیات مایه می‌گیرد، خود همانند ریاضیات از محتوا خالی است و تکیه آن عموماً نه بر محتوا، بلکه بر فرم است. عمومیت تئوری‌های سیستمی و قابل‌اعمال بودن آن‌ها در پدیده‌های متفاوت نیز مبین بی‌محتوایی و آزادی آن‌ها از محتوا و فراهم آوردن قالب است.»^{۲۰}

زیرنویس

- * Holistique
- ** Elementarism
- ۱. در این باره در دوره کارشناسی ارشد جغرافیای انسان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی پایان‌نامه‌های خوبی درباره سمنان و زنجان وجود دارد.
- ۲. مصطفی مومنی، پایگاه جغرافیای شهری در ایران، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵.
- ۳. اکارت اهلرز: سرمایه‌داری بهره‌بری و تکوپن شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)، ترجمه دکتر عباس سعیدی، در: اکارت اهلرز: ایران: شهر-روستا-عشایر (مجموعه مقالات)، ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منش، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱.
- ۴. این مقاله پیش‌تر ترجمه و انتشار یافته است: اکارت اهلرز: سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران)، ترجمه دکتر عباس سعیدی، نشریه دانشکده علوم زمین، دوره جدید، شماره ۱، بهار

صنعتی ملاحظه می‌کنند.^{۲۱} اهلرز و شاگردان او توانستند با روش‌های جغرافیایی، برخی از مناطق ایرانی را به‌طور مشخص مطالعه و مشخصات مرزهای روابط شهر و روستا را در قالب تئوری سرمایه‌داری بهره‌بری در آن مناطق روشن کنند. از این رو با توجه به منابعی که در کتاب پایگاه جغرافیای شهری در ایران آمده است، نمونه‌های روشنی در این باره وجود دارد. حتی دکتر محمدتقی رهنمایی یکی از شاگردان اهلرز با او فراتر از این گذاشت و در سال ۱۳۷۳ نظریه بوبک را در چنارچوب «نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک»^{۲۲} نقد و گسترش داد. دو رساله دوره دکتری نیز به راهنمایی ایشان به عمیق‌تر شدن بحث کمک کرده‌اند.^{۲۳} اما نظرات ایشان و شاگردانش بیش‌تر ناظر بر دوران پهلوی و اکنون است تا پیش از پهلوی.

طبیعتاً گسترش و عمق تئوری سیستم‌ها به گونه‌ای است که این روش‌های جغرافیایی هرگز به‌دقت کاربرد تئوری سیستم‌ها و روش‌های مرسوم عمومی‌تر کاربرد آن، در بیان دقیق سیستم روابط شهر و روستا و یا سیستم میان شهرها نیست. بنابراین به نظر این‌جانب از این به بعد، باید تئوری سیستم‌ها را یا جایگزین روش‌های جغرافیایی کرد و یا در هر جا شد، این روش‌ها را در بررسی‌های سیستمی گنجاند. اما به طوری که ذکر شده

و تابستان ۱۳۷۰

۳. همان جا، ص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۴. پایگاه جغرافیا در ایران، ص ۱۳۵ تا ۱۳۹ و ص ۲۴۹ تا ۲۵۱.

۵. نیز با استفاده از تقریرات درس جغرافیای رابطه شهر و روستای استاد محترم آقای دکتر مصطفی مؤمنی در گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی. اکارت اهلز نیز در مقاله «سرمایه داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)» در ارتباط با نحوه تولید و تجارت فرش و جایگاه آن، در بررسی مسأله اصلی رابطه شهر و روستا و همچنین ارتباط بین شهری، یافته‌هایی را مطرح ساخته است: همان جا، ص ۲۳۸-۲۳۶.

۶. امیرمحمد حاجی پوسفی: رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۲، شماره ۵ و ۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۶، ص ۱۵۳.

۷. اکارت اهلز: دزفول و حوزه پیرامونی آن، ترجمه عباس سعیدی، در: اکارت اهلز: ایران: شهر و روستا-عشایر، ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳.

۸. اکارت اهلز: سرمایه‌داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳.

۹. اکارت اهلز: دزفول و حوزه نفوذ آن، در: جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۵۵، ص ۲۶-۲۱؛ اکارت اهلز: دزفول و حوزه پیرامونی آن، ۱۳۸۰، ص ۲۶۸-۲۵۳.

۱۰. اکارت اهلز: رابطه شهر و روستا در ایران: طیس به عنوان نمونه، ترجمه هوشنگ بهرام بیگی، مجموعه سخنرانی‌های چهارمین کنفرانس جغرافیدانان ایران، مشهد ۱۳۵۶، ص ۱۷۴-۱۶۶؛ اکارت اهلز: شهر و حوزه نفوذ آن: نمونه طیس، ترجمه

عباس سعیدی، در: اکارت اهلز: ایران: شهر و روستا-عشایر، ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۷۸-۲۶۹.

۱۱. اکارت اهلز: شهر شرق اسلامی: مدل و واقعیت، ترجمه و تحریر جدید از دکتر محمدحسن ضیاءتوانا و دکتر مصطفی مؤمنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال نهم، بهار ۱۳۷۳، ص ۲۷-۶۵.

۱۲. مصطفی مؤمنی: پایگاه جغرافیای شهری در ایران، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰.

۱۳. علی اصغر رضوانی: بروجرد و حوزه نفوذ آن (مطالعات شهری و ناحیه‌ای)، پایان‌نامه دوره دکتری تخصصی در رشته جغرافیای شهری، به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، دوره عالی تحقیقات (دکتر)، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۴. اهلز: دزفول و حوزه نفوذ آن، در جغرافیا، دوره اول، شماره اول، ۱۳۵۵، ص ۲۶-۲۱.

۱۵. اکارت اهلز: دزفول و حوزه پیرامونی آن، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴.

۱۶. اکارت اهلز، همان جا، ص ۲۵۸-۲۵۴.

۱۷. همان جا، ص ۲۶۱.

۱۸. اسماعیل علی اکبری: مکانیزم‌های توسعه شهری در استان ایلام، با تأکید بر تبیین نقش دولت، پایان‌نامه دوره دکتری جغرافیای شهری، به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۶ تا ۸. باید خاطر نشان ساخت که آقای علی اکبری در سوابق مطالعاتی موضوع رساله خود مطالعات بسیاری را درباره رابطه شهر و روستا بررسی کرده است.

۱۹. اکارت اهلز: ۱۳۷۱، ص ۴۳.

۲۰. همان جا، ص ۲۵.

۲۱. و. ن. سادوسکی: ا. و. بلاویرک: ا. گ. یودین: نظریه سیستم‌ها: مسائل فلسفی و روش‌شناختی، ترجمه کیومرث پروانی، نشر تندره

تهران ۱۳۶۱، ص ۱۳۳.

۲۲. احسان طبری: دانش و بینش (فصل اول: درباره سیستم و برخورد سیستمی)، ۱۳۶۰، ص ۱۱.

۲۳. برای ملاحظه مفاهیم نگرش کل‌گرایانه و اصالت اجزاء، نگاه کنید به: احسان طبری: همان جا، ص ۱۱.

۲۴. همان جا، ص ۱۲.

۲۵. ژوئل دوروستی و جون بیشون: روش تفکر سیستمی، بخش یک، ترجمه میرحسین جهانبگلو، انتشارات مفروض و پیشبرد، تهران ۱۳۷۰، ص ۴۴.

۲۶. جابر پارسانی: امکان‌سنجی تعیین حوزه نفوذ: جهت تجدید سازمان تقسیمات کشوری، مورد: شهر رویان (مازندران)، به راهنمایی دکتر مصطفی مؤمنی، گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی، اسفندماه ۱۳۷۶.

۲۷. جابر پارسانی: امکان‌سنجی تعیین حوزه نفوذ: جهت تجدید سازمان تقسیمات کشوری، مورد: شهر رویان (مازندران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی، به راهنمایی دکتر مصطفی مؤمنی، گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، اسفند ۱۳۷۶.

۲۸. محمدتقی رهنمایی: دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس یویگ (بخش اول)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال نهم، بهار ۱۳۷۴، ص ۲۶-۱۸.

۲۹. اسماعیل علی اکبری: مکانیزم‌های توسعه شهری در استان ایلام با تأکید بر تبیین نقش دولت، ۱۳۷۸؛ محمود نمایی: تبیین نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، پایان‌نامه دوره دکتری جغرافیای شهری، به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۳۰. مهدی فرشاد: نگرش سیستمی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲۵.

